



## چگونه کلاس داری کنیم؟

نیلوفر هادوی

دبیر دینی و قرآن اصفهان

### هدف و روش

در مقاله حاضر، به اختصار اشاراتی کوتاه به ظرایف و نکات ریز و حتی گاه فراموش شده تدریس می‌شود. از آنجا که رسالت معلم دینی و قرآن تداوم رسالت انبیا در جوامع بشری است، لذا در این مقال با یادآوری چنین مسئولیت خطیر و مقدسی، اول خود و سپس سایر همکاران گرامی‌ام را متوجه عواقب خطر آفرینی می‌کنم که بی‌توجهی به امر کلاس داری و برخورد با فراگیرندگان از سوی معلمین این رشته می‌تواند داشته باشد و از خداوند می‌خواهم که همواره به یاد ما بیاورد وقتی وارد کلاس می‌شویم، چنین برداشت کنیم که وارد میدان آزمایش الهی و در همان حال عبادتگاه خود شده‌ایم.

در واقع، هدف بنده از نگارش این سطور بیان دریافت‌ها و تجارب ۲۰ سال تدریس در کلاس‌های مختلف مدارس روستا و شهر و زیر خط فقر یا برعکس، مرفه بوده است که به راستی چنین حاصلی شاید با دنیایی از آمار و ارقام در پژوهش‌های صدرصد علمی، تخصصی و... برای امثال ما که به دنبال راهکارهای عملی هستیم، برابری کند! روشی که در تنظیم مطالب به کار برده‌ام، بیشتر نوعی تألیف محسوب می‌شود که حاصل تجربیات

تدریس است. در عین حال، خود را از مطالعه کتب در این زمینه مستغنی ندیده‌ام و رجوعی به برخی کتب- که در منابع اشاره می‌شود- کرده‌ام و بهره‌های فراوانی از آنان گرفتم. در تأیید نوشته‌های خود از محتوای آن‌ها نیز اطمینان حاصل کردم. محتوای مقاله به چند بخش کوچک شامل نکات اعتقادی، فنی، تفننی، اخلاقی و عاطفی تقسیم شده است که مجموعاً شامل ۱۱۳ نکته می‌شود. منظور از نکات فنی، فنون تدریس است و «نکات تفننی» بیشتر شامل تنوع در فعالیت‌های فوق برنامه و تکمیلی و کارهایی است که در حواشی متون درس انجام می‌شوند. قابل ذکر است که با توجه به شماره‌های مقابل برخی جملات، ضاممی به مقاله حاضر پیوست شده‌اند که توضیح و مدرک و استناد آن عبارات به‌شمار می‌روند.

### نکات اعتقادی در تدریس

۱. در همانندسازی بالگوه‌های دینی، فرانسائی جلوه دادن اسوه‌ها، باعث یأس و حتی فاصله جوان با الگوی ارائه شده می‌شود. از آن طرف باید خطر تقدس‌زدایی از الگوهای دینی را- که از سوی اندیشه‌های مغرض و یا رسانه‌های جهانی مطرح می‌شود- به آنان هشدار

داد. باید مصادیق و نمونه‌های عینی و واضحی از زندگی الگوها و اسوه‌ها را با توجه به مقتضیات زمان مطرح کرد و همواره در برابر سؤالات نوجوان که به تردید و تناقض کشیده می‌شود، مسلح و مجهز بود.

۲. جوانان ما همواره گرایش عجیبی به افکار نو، تازه مطرح شده، جنجال‌برانگیز، نوظهور و... دارند. این افکار حتی اگر بر پایه‌های سست و غیرمنطقی بنا شده باشند، حداقل تا مدتی فکر آن‌ها را مشغول و معطوف به خود نگه می‌دارند. معلم امروز «باید» و «مجبور» است در برابر این پرسمان‌ها با اطلاعات کامل وارد کلاس شود. در واقع، معلم برای افکار دیرینه مذهبی هزار و چهارصد ساله خود و جامعه باید به تازگی، نوآوری و منطق مجهز باشد تا بتواند جوان امروز را که افسار گسیخته به سوی کفه سنگین ترازوی تبلیغات و توطئه‌های فکری خیز برمی‌دارد، جذب کند.

۳. حتماً باید از متخصصان فکری برای آشنایی معلمان با انواع و اقسام مکاتب مذهبی، فرقه‌ای، فرهنگی، سیاسی و... (خصوصاً آنانی که در جامعه رایج و مطرح هستند و باعث جذب جوانان می‌شوند) دعوت به عمل آورد تا معلمان به دانستنی‌هایی در این زمینه‌ها مجهز باشند و در کلاس‌های خود بر موضوعات مطرح شده از جانب برخی دانش‌آموزان تیزهوش و دارای گرایش متفاوت، اشراف داشته باشند. زیراطرح مباحثی از سوی چنین دانش‌آموزانی، در صورتی که معلم بر موضوع تسلط نداشته باشد، باعث جذب برخی از دانش‌آموزانی می‌شود که زمینه پذیرش هر نغمه‌ای را از هر سو دارند.

شهید مطهری در باب مسائل و دغدغه‌های جوانان می‌نویسد: «در قدیم سطح فکر مردم پایین بود، کمتر در مردم شک و تردید و سؤال پیدا می‌شد. حالا بیشتر پیدا می‌شود. طبیعی است وقتی که فکر کمی بالا آمد، سؤالاتی برایش طرح می‌شود که قبلاً مطرح نبود. باید شک و تردیدش را رفع کرد و به سؤالات و احتیاجات فکری‌اش پاسخ گفت. نمی‌شود به او گفت برگرد به حالت عوام. بلکه این خود زمینه مناسبی است برای آشنا شدن مردم با حقایق و معارف اسلامی، با یک جاهل بی‌سواد که نمی‌شود حقیقتی را در میان گذاشت. بنابراین در هدایت و رهبری نسل قدیم که سطح فکرش پایین تر بود، ما احتیاج داشتیم به یک طرز بیان و تبلیغ و یک جور کتاب‌ها. اما امروز آن طرز بیان و آن طرز کتاب‌ها به درد نمی‌خورند. باید و لازم است رفرم و اصلاح عمیقی در این قسمت‌ها به عمل آید. باید با منطق

روز و زبان روز و افکار روز آشنا شد و از همان راه به هدایت و رهبری مردم پرداخت.» (ده گفتار: ۱۴۳)

۴. با دانش‌آموزان برای تحکیم بیشتر ایمانشان از در منطق و استدلال وارد شویم؛ گرچه به امر تعبدی بودن تکالیف مذهبی نیز اذعان می‌کنیم. (پیوست شماره ۱۷)

### نکات فنی در تدریس

۱. از آنجا که اهداف و دستاوردهای هر درس با درس دیگر متفاوت است، هر درسی را با روش‌های فعال تدریس متفاوت آموزش دهیم. مثلاً در موضوع خلقت سوره یاسین، اول ایجاب می‌کند دانش‌آموزان، اشیای شگفت‌آوری از طبیعت و آفرینش را سر کلاس بیاورند و با راهنمایی معلم یا با توضیحات خود، هر کدام اطلاعاتی در مورد عجایب خلقت به جمع ارائه دهند. دانش‌آموزی در فرم نظرسنجی به این موضوع اشاره کرده بود که هنوز جنین مرده بسیار کوچک گوساله‌ای را که یکی از بچه‌ها آن روز در قوطی کبریتی گذاشته و به کلاس آورده بود، در خاطر دارم که چگونه خداوند زندگی یک حیوان به آن بزرگی را از همین جسم کوچک آغاز می‌کند!

۲. مشوق همیشگی آنان برای سؤال کردن باشیم. در کلاس درس به این نکته اشاره کنیم که از سکوت آنان بیزاریم و علاقه‌مند به طرح سؤال‌های بجا- که نتیجه گوش دادن دقیق به بحث‌های کلاسی است- هستیم. حتی برای طرح پرسش‌های بسیار جالب و دقیق به سؤال‌کننده امتیاز دهیم (مثلاً علامت مثبت در مقابل نام او ثبت کنیم). به یاد دارم در کودکی روزی از پدرم سؤال کردم چرا همه به دور یک خانه، که از جنس سنگ است، می‌چرخند؟ مگر این هم نوعی بت پرستی نیست؟ بلافاصله یکی از افراد خانه مرا به خاطر سؤالم (که به نظرش کفرآمیز می‌آمد)، سرزنش کرد. پدر تذکر داد: این سؤال هیچ عیبی ندارد. در عوض گفت: آفرین! سؤال جالبی است. معلوم است روی این موضوع، یعنی طواف مسلمانان به دور کعبه، فکری داشته‌ای... من آن روز یادم نیست چه پاسخی از پدر گرفتم، اما تشویق او در من اثر عمیق و فراوانی به جا گذاشت و آموختم پرسش فی‌نفسه امری ارزشمند است و هیچ‌گاه برای سؤال کردن نهراسم.

۳. از معاونان یا سایر مسئولان مدرسه درخواست کنیم که درست در میان تدریس دروس دینی و قرآن، به انجام برخی از امور مدرسه، مثل توزیع کتاب، مجله، برگه‌های دعوت اولیا و... با آزمون

**جوانان ما همواره  
گرایش عجیبی  
به افکار نو، تازه  
مطرح شده،  
جنجال‌برانگیز،  
نوظهور و... دارند.  
این افکار حتی اگر  
بر پایه‌های سست  
و غیرمنطقی  
بنا شده باشند،  
حداقل تا مدتی  
فکر آن‌ها را  
مشغول و معطوف  
به خود نگه  
می‌دارند**

**معلم دینی و قرآن باید علاوه بر اطلاعات تخصصی رشته خود، اهل مطالعه باشد. از رمان‌ها، نویسندگان بزرگ ادبیات جهانی، اندیشمندان شرق و غرب، و بزرگان مذهبی و غیرمذهبی باخبر باشد و گاه در ضمن سخنان خود از این اطلاعات بهره برد**

درس‌های مهم (!) مثل ریاضی، علوم و... یا اردو بردن یا تمرین مسابقات هنری یا ورزشی، نپردازند. (در حالی که مثلاً دبیر فیزیک به صراحت در دفتر مدرسه اعلام می‌کند که به هیچ عنوان اجازه نمی‌دهم وقت کلاس را برای این‌گونه امور بگیرد و همه مسئولان به خوبی و از روی حس وظیفه‌شناسی و اهمیت دادن به این‌گونه دروس، موضوع را رعایت می‌کنند!)

۴. این نکته حائز اهمیت است که پس از اتمام تدریس، به‌نوعی بازخورد دانش‌آموزان، برداشتشان و نظراتشان را درباره موضوع مطرح شده دریافت کنیم. (مثلاً: بچه‌ها! اکنون واقعا در مورد نماز، حجاب، کظم غیظ و... چه احساسی دارید؟ چه باید کرد؟ و...) زمانی که خود دانش‌آموزان به تأیید و تعمیق مطالب مطروحه بپردازند، توفیق اجباری شامل حال آنان می‌شود که پس کاربرد این همه حرف و حدیث باید در زندگی روزمره جایگاهی اصلی داشته باشد!

۵. ظاهر فیزیکی کلاس‌ها تأثیر عجیبی بر فرایند کار کلاس دارد. هرچه این فضا جذاب‌تر باشد، انتظار نزدیک شدن به اهداف بیشتر است. طرح شاداب‌سازی فضای آموزشی در اکثر مدارس (خصوصاً کلاس‌ها و نه فقط در و دیوار حیاط و راهروی مدرسه) فراموش می‌شود، در حالی که باید تلاش کنیم دانش‌آموزان گریزان از درس را به خاطر جذابیت محیط پیرامون خود با کلاس آشتی دهیم و مانس‌گار کنیم. (چه مانعی دارد که از بچه‌ها بخواهیم در کلاس دینی و قرآن همواره روی میز یا بر طاقچه پنجره، کوزه‌ای از گل باشد یا کادر تابلوی کلاس تزیین شود؟)

۶. ابزارهای کمک‌آموزشی و وسایل دست‌ساز دانش‌آموزان و رسانه‌های مربوط به درس را در یکی از ویت‌ترین‌های راهروی مدرسه در معرض نمایش و دید قرار دهیم و بدین‌گونه با ساخت و تهیه چنین وسایلی، تشویق و تحسین آنان را برانگیزیم که این شیوه خود نوعی انتقال دانش به سایرین خواهد بود؛ برای مثال، تصویرگری از آیات قرآن یا تصویرگری انواع کارت‌های مسابقه و بازی قرآنی

۷. تعالیم عملی درس (مثلاً آموزش مفاهیم قرآن) را در کلاس به‌طور عملی پیاده کنیم؛ مانند وضو، تیمم و... می‌توانیم تعالیم اخلاقی مانند کظم غیظ، کراهت عیب‌جویی، غیبت، تمسخر و... را به‌شکل نمایش‌نامه‌های کوچک درآوریم تا بچه‌ها اجرا کنند. باید توجه داشت دانش‌آموزان گرایش زیادی به اجرای نمایش دارند و خوب است این توانایی در جهت اشاعه پرورش خصائص نیکو صرف شود.

۸. تحقیق‌ها و فعالیت‌های فوق برنامه سنگین را به دانش‌آموزان تکلیف نکنیم. این امور ممکن است فوق‌طیقت و توان و فرصت‌های اندک آنان و وقت‌گیر

باشند و مایه دل‌نگرانی اولیا شوند. از آنان همان چیز را بخواهیم که دقیقاً در حد توان، نیاز و علاقه‌هایشان است. حتی بد نیست بدانیم چه موقع تحقیقی را تکلیف کنیم که با سایر کارها و مشغله‌های درسی دیگرشان تداخل نکنند و موجبات نفرت و انزجارشان از اصل مسئله نشود.

۹. لازم نیست همه کارها و فعالیت‌ها به‌صورت گروهی انجام شوند. نوجوان گاه نیازمند و متمایل به کار در تنهایی، سکوت و به‌گونه‌ای انفرادی است. از این رو گاهی به آنان اختیار بدهیم و بپرسیم، برای انجام فلان فعالیت، چه کسی می‌خواهد کار خود را در گروه انجام دهد و چه کسی نمی‌خواهد.

۱۰. معلم خود را مقید کند که یافته‌ها، تحقیقات، و پژوهش‌های دانش‌آموزان و سایر دستاوردهای آنان را در طول سال بنا به بهانه‌های گوناگون به سایر کلاس‌ها نشان دهد، توضیحاتی از خود شخص بخواهد که برای جمع ایراد کند و دانش‌اندوخته در کار انجام شده را به دیگران انتقال دهد.

۱۱. معلم دینی و قرآن باید علاوه بر اطلاعات تخصصی رشته خود، اهل مطالعه باشد. از رمان‌ها، نویسندگان بزرگ ادبیات جهانی، اندیشمندان شرق و غرب، و بزرگان مذهبی و غیرمذهبی باخبر باشد و گاه در ضمن سخنان خود از این اطلاعات بهره برد. (مثلاً در تقویت انگیزه برای حرمت‌گذاری به حجاب، به این جمله از افلاطون اشاره کند که: «زیبایی حقیقی ابدی است، نه آنکه امروز زیبا و فردا نازیبا باشد.» یا به پوشش زنان ایرانی از قدیم‌الایام و حتی قبل از اسلام اشاره کند و...)

۱۲. گاه پیش می‌آید که ساعت قبل از درس معلم دینی و قرآن، دانش‌آموزانش در درس دیگری امتحانی دشوار و خسته‌کننده داده باشند و در ساعت درس او واقعا حوصله درس را نداشته باشند (خصوصاً پرسش درس). معلم باید هوشیار باشد که فشار آوردن در این‌گونه موارد، بسیاری از آنان را از وی و درسش دور می‌کند و میانشان فاصله می‌اندازد. لذا با عاقبت‌اندیشی آن‌ها را به دیدن فیلمی در سالن مدرسه یا شنیدن داستانی شیرین یا... دعوت می‌کند و قول جبران را در جلسه بعد از آنان می‌گیرد. (البته پس از رفع خستگی و راضی شدن آنان، حتی می‌تواند به بخشی از وظایف تدریس خود عمل کند.) در این مورد تجربه کرده و به‌عینه دیده‌ام که گروهی از دانش‌آموزان بی‌ رغبت به مسائل مذهبی، حسن‌نظر خاصی نسبت به این کلاس پیدا کردند. در این باره مولا علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «دل‌ها را هوایی و روی آوردنی است و پشت کردنی. پس دل‌ها را آنگاه به کار گیرید که خواهان است و روی در کار.



زیرا دل اگر به ناخواه به کاری وادار شود، کور گردد.»  
(نهج البلاغه، حکمت ۱۹۳)

۱۳. معلم باید از تحسین‌ها و تشویق‌های متنوع در طول کلاس و سال تحصیلی استفاده کند و علاوه بر نمره، امتیاز، جوایز کوچک و... عبارات و جملات دلگرم‌کننده‌ای را به کار برد که ایجاد حس موفقیت را در دانش‌آموز دوچندان کند و او را برای ارائه کار بهتر یا نظریهٔ بهتری تحریک و تشویق کند؛ عباراتی همچون:

- واقعاً عالی است!
- روش کار تو جالب است.
- فکر خوبی است!
- به کار خوبت ادامه بده.
- خیلی پشتکار داری.
- داری خوب جلو می‌روی.
- این کار شایستهٔ بردن جایزه است.
- کلاس پرباری شد.
- این همه استعداد کجا پنهان شده بود؟!
- درست به هدف زدی!
- می‌دانستم می‌توانی این کار را انجام دهی.
- عیماً درک کرده‌ای.
- برخوردت باعث به خود بالیدن و افتخار ماست.
- معلوم است در انجام این کار، صبر زیادی کرده‌ای.
- این کار کاملاً یک پیشرفت است.
- از صمیم دل روی این موضوع کار کرده‌ای.
- از هیچ تلاشی مضایقه نکرده‌ای!
- تو کار را آسان کردی.
- به هدف رسیدی!
- تو می‌دانی که چه‌طور مقاومت کنی.
- در این کار درخشیدی!
- توجه همه را جلب کرده‌ای.
- از همکاری تو متشکریم.
- استدلالت قوی است.
- چه منطق روشنی!
- بی‌عیب است!
- نظرت ارزنده و قابل تحسین است!
- این یک آدم خودساخته است.
- کمی خونسردتر!
- چه چشمان تیزبینی داری!
- فعالیتی با کیفیت بالاست.
- باور نکردنی است!
- واقعاً بلندهمتی می‌خواهد.
- و...

«هنگام ارائه بازخورد باید تمرکز شما بر خود کار باشد نه بر شخص. سعی کنید از هر نوع کلمات تحقیرآمیز پرهیز کنید که راه را برای هر پیشرفتی

خواهد بست!» (هورن، پانصد نکته: ۷۴)

۱۴. در مورد بازخوردهای دانش‌آموزان چه در مورد متون درسی و چه فعالیت‌های فوق برنامه، باید انعطاف‌پذیر بود و از سخت‌گیری پرهیز کرد. درست است که هر درسی چارچوبی خاص خود را دارد اما اینکه معلم آمادگی داشته باشد، در صورت عدم پیشرفت در کارها، چیزهایی را که دانش‌آموزان بیشتر به آن‌ها تمایل و رغبت نشان می‌دهند مورد توجه قرار دهد، ارزشمند است؛ ولو چنین جنبه‌هایی قبلاً در طرح درس او گنجانده نشده باشند. (همان: ۵۶)

۱۵. معلم گاه می‌تواند وضعیتی را فراهم آورد که دانش‌آموزان در گروه‌ها قادر به جابه‌جایی باشند (البته با وجود علتی منطقی و معقول و یا به شرط پیشرفت یا انتقال پیشرفت و موفقیت به گروه‌های ضعیف‌تر و...).

۱۶. هر معلم در کلاس خود می‌تواند شیوه‌نامهٔ مخصوصی داشته باشد و در همان ابتدای سال در آن ذکر کند که من این انتظارات را از شما دارم و انجام این‌گونه برنامه‌ها و رعایت این‌گونه مقررات برای من اهمیت دارد. می‌توان این انتظارات را به صورت برگهٔ کپی شده توزیع کرد یا هم آن‌ها را قرائت کرد تا دانش‌آموزان بنویسند، و یا در کلاس نصب کرد. در هر صورت، معلم باید تصویر روشنی از آنچه می‌خواهد، در اختیار آنان بگذارد. زیرا دانش‌آموزان وقتی بدانند چه چیزهایی از آن‌ها انتظار می‌رود، احساس امنیت بیشتری می‌کنند و از سرگردانی نجات می‌یابند.

۱۷. زمانی که معلم می‌خواهد در میان کلاس راه برود و جمعی را زیر پوشش سؤالات پی در پی خود قرار دهد و فضایی خاص از پرسش و جواب ایجاد کند، می‌تواند یکی از دانش‌آموزان داوطلب را کاتب موقتی خود قرار دهد و از او بخواهد، همان‌طور که در جریان بحث قرار دارد، نام کسانی را در بحث شرکت می‌کنند بنویسد و علائمی مبنی بر پاسخ صحیح، غلط یا تکرار در گفت‌وگوی کلاسی در مقابل نامشان ثبت کند تا بعد معلم سر فرصت این علائم را در دفتر نمرات خود وارد کند.

۱۸. سعی شود در درس از میان مثلاً چهار سؤالی که از دانش‌آموز می‌شود، حداقل یک سؤال از نوع سؤالات باز پاسخ باشد تا او بتواند در پاسخ به توانایی‌ها و دانسته‌های عمومی و قبلی خود تکیه کند و پاسخ‌هایی عمیق و طولانی‌تر بدهد. در هر صورت، باید قوهٔ تخیل و اظهار نظر وی را تا می‌توان تحریک کرد و با طرح سؤالات پردازشی، او را به کندوکاو ذهنی واداشت. باید کاری کرد که دانش‌آموزان

**در مورد  
بازخوردهای  
دانش‌آموزان  
چه در مورد  
متون درسی و  
چه فعالیت‌های  
فوق برنامه، باید  
انعطاف‌پذیر بود  
و از سخت‌گیری  
پرهیز کرد**

۲۳. در میان دانش‌آموزان فرم نظرسنجی و خودارزیابی توزیع کنیم (مثلاً در پایان هر نیم‌سال) و نظر آنان را در مورد خود جویا شویم. این به‌ویژه برای دانش‌آموزان کم‌رو به‌تر است؛ زیرا این‌گونه می‌توانند با معلم خود ارتباطی خصوصی برقرار کنند. می‌توان از دانش‌آموزان پرسید: در یک و نیم‌ساعتی که من باشم تدریس قرآن دارم، دوست دارید در کلاس چه اتفاقاتی بیفتد؟ من چه کارهایی انجام دهم؟ شما چه؟

۲۴. به دانش‌آموزان در بررسی تکالیف مسئولیت دهیم. به آن‌ها اجازه دهیم گزارش تنظیم کنند و با فرمی از پیش تنظیم شده را پس از بررسی، تکمیل کنند و به معلم پس دهند تا خود معلم نتایج را به دفتر نمرات انتقال دهد.

۲۵. براساس سخن گران‌قدر «زکات دانش، انتشار آن است»، از مدیر بخواهیم که کار دبیران فعال را در دفتر مدرسه مطرح کند و پس از تشویق آنان، بخواهد شمه‌ای از روش و راه موفقیت خویش را در تدریس برای سایرین بازگو کند (مثلاً در شورای دبیران). به‌همین صورت، سرگروه‌های آموزشی نیز در انتقال بهترین تجربیات درسی معلمین زیر‌گروه خود به یکدیگر نقش بسزایی خواهند داشت. آنان می‌توانند جذاب‌ترین و پربارترین مطالب را (با ذکر دقیق منابع) از تمامی زیر‌گروه‌های خود در مجامع گروه‌های آموزشی جمع‌آوری کنند. سپس مجموعه‌ای با عنوان «تجارب مفید معلمی» را برای سایرین تهیه و میان آن‌ها توزیع کنند. به این ترتیب، یک دوره غیرحضورى که نه وقت‌گیر است و نه تشکیلاتی و اداری، برگزار خواهد شد.

۲۶. معلم می‌تواند از مرکز گروه‌های آموزشی مخصوص رشته خود درخواست کند، به‌جای تخصیص بودجه‌هایی برای مسابقات و... به برپایی کلاس‌ها و دوره‌های ضمن خدمت برای تربیت معلم متخصص قرآن همت گمارد.

۲۷. بهتر است طراحی آزمون‌های متنوع و با استفاده از انواع و اقسام پرسش‌ها باشد؛ مانند پرسش انشایی (محدود پاسخ و گسترده پاسخ)، پرسش عینی-انشایی (کوتاه پاسخ و تکمیلی) و پرسش عینی (چورکردنی، چندگزینه‌ای درست و نادرست که خود به چند شاخه خوشه‌ای، بله و خیر، صحیح و غلط، و اصلاحی تقسیم شود).

۲۸. بر فعالیت‌های گروهی نظارتی مستقیم و بر تکالیف فردی نظارت گاه به گاه داشته باشیم (در صورت نداشتن فرصت‌های بیشتر).

۲۹. از دادن تکالیف شاق، همچون کشیدن تصویر به‌طور اجباری در دفتر تمرین، حفظ اجباری آیات درس و مو به مو و کلمه به کلمه از حفظ گفتن و

محتوای درس را از چارچوب کتاب بیرون بکشند و به داخل خانه یا درون جامعه انتقال دهند.

۱۹. این مهم است که دانش‌آموزان پاسخ‌های نیمه‌کاره یا ناقص خود را با جواب‌های کامل و صحیح در کتاب مقایسه کنند و آن‌گاه به نقایص پاسخ‌های خود پی ببرند. معلم باید همواره چنین شرایطی را به‌دلیل نمره‌ای که می‌دهد، فراهم کند؛ چه در ضمن پرسش شفاهی و چه پس از آزمون کتبی.

۲۰. برای معلمینی که در یک رشته در کلاس‌های مختلفی به کار تدریس مشغول‌اند، بهتر است قانون نمره‌دهی یکسان (مثل آیین‌نامه‌ای مشترک) و فعالیت‌های فوق‌برنامه‌ای مشترک ولی متنوعی بین کلاس‌ها تنظیم شود تا اعتراض برخی کلاسها را برای نمراتشان یا روش‌های معلمینشان و... ایجاد نکند و دانش‌آموزان نیز دائم در حال مقایسه دبیران خود با دبیران دیگر کلاس‌ها نباشند.

۲۱. دانش‌آموزان را به شرکت در فرایند یاددهی و یادگیری، ارزیابی و نمره‌دهی تشویق کنیم و گاهی از آنان بخواهیم که خودشان با توافق یکدیگر تصمیم بگیرند که معلم کدام درس‌ها یا بخش‌ها را امتحان بگیرد. این کار به آنان در مقابل درس خواندن مسئولیت واقعی اعطای کند.

۲۲. نمرات پایان نیم‌سال حقیقتاً باید مبتنی بر انواع شواهد و ارزیابی باشند (اهمیت به قوانین نمره مستمر) و از اینکه صرفاً یک منبع (یعنی نمرات کتبی پایان ترم)، منشأ نمره‌دهی باشد، باید اجتناب کرد. وقتی تمام معلمین در مورد دادن نمرات واقعی مستمر به‌طور دقیق توجیه شوند، لزومی ندارد که از روی تعصب فقط و فقط به نمرات کتبی پایان نیم‌سال بها داد!

**به دانش‌آموزان در بررسی تکالیف مسئولیت دهیم. به آن‌ها اجازه دهیم گزارش تنظیم کنند و یا فرمی از پیش تنظیم شده را پس از بررسی، تکمیل کنند**



نوشتن پاراگراف‌های هر درس، خودداری و به‌شدت پرهیز کنیم.

۳۰. به‌منظور تعمیق و درک جزئیات و کلیات هر درس جدید توسط دانش‌آموزان از شیوه‌مباحثه‌ای استفاده کنیم.

۳۱. هنگام خستگی و فشار به تصحیح اوراق امتحانی نپردازیم (اشکالات در نمره دادن، نادیدن بخشی از پاسخ‌های برگه امتحان یا ... معمولاً در همین اوقات رخ می‌دهند).

۳۲. داشتن بیانی شیرین و گرم و استفاده از توضیحات متنوع و بیان روشن در تدریس، بهترین جاذبه‌ها را برای دانش‌آموزان دارد. (دانش‌آموزی می‌گفت: معلم عربی ما وقتی درس می‌دهد، احساس می‌کنیم درس را بیشتر برای خودش مرور می‌کند تا واقعاً به ما یاد دهد! ما اصلاً نمی‌فهمیم بیشتر حرف‌هایش از کجا شروع می‌شوند و می‌خواهد چه نتیجه‌ای بگیرد!)

تکیه کلام‌ها نیز محل کارند. چه خوب است معلم در کمال شجاعت از دانش‌آموزان خود بخواهد که طریقه تدریس و نحوه بیان او را نقد کنند و تکیه کلام‌های خود یا حرکات تکراری را در رفتارشان از طریق نظرسنجی از آنان کشف کند و در حذف آنان بکوشد. یکنواختی در صدای معلم و کسالت و احم‌آلود بودن او و روند کسل‌کننده کار وی باعث دلزدگی دانش‌آموزان در بدو امر از معلم و سپس از درس و کتاب وی می‌شود.

زیبانویسی روی تابلو اعجاز می‌کند؛ خصوصاً اینکه دانش‌آموزان تلفیق هنر و زیبایی را در موضوعات معنوی و دینی به‌عینه مشاهده کنند. (معلمی داشتیم که وقتی درس می‌داد، با هر تأکیدی روی یک موضوع درسی با گچ بر تابلوی کلاس ضربدری بی‌معنا یا نقطه‌ای یا خطی روی آن نقش می‌کرد و وقتی درس او تمام می‌شد، یک سوم تابلو از خطوط بی‌ربط و ضربدرهای بی‌مورد پر شده بود!)

۳۳. وقتی شخصی مشکلی دارد، باید از دادن راه‌حل به او خودداری کرد. آیا وقتی برای مشکل او راه‌حل پیدا می‌کنید، می‌پذیرید که به جای او باشید؟ اگر راه‌حل شما کارساز نبود، چه کسی مقصر است؟ حال اگر راه‌حل شما مؤثر واقع شود، شخص چه احساسی پیدا خواهد کرد؟ در آغاز احساس آسودگی، اما بعد شاید حس کند کمی خوار شده است. اگر به او فرصت صحبت کردن درباره مشکلش داده شود، ممکن است راه‌حل را خود مطرح کند و شاید راه‌حل بهتری نسبت به راه‌حل شما ارائه دهد. وقتی کسی از عقیده و راه‌حل شما می‌پرسد، خیلی آماده پاسخ دادن به آن نباشید. (تابر: ۱۹۰)

۳۴. وقت‌شناسی معلم از مهم‌ترین الگوهای رفتاری برای دانش‌آموزان محسوب می‌شود و مقید بودن به رعایت قانون شروع و خاتمه کلاس، از ویژگی‌های ممتاز اوست.

۳۵. معلمین باید سیاست انضباطی معتدل خود را اعمال کنند و در این مورد همواره ثابت قدم باشند. ۳۶. دانش‌آموزانی که از مسئولیت‌پذیری بالایی برخوردارند، کمتر به برقراری نظم خارجی از سوی معلم نیاز دارند.

۳۷. لازم است صوت معلم تنظیم شده و لحن او دارای ثبات و استواری باشد (با وجود چنین صداهایی است که مردم گزارش اخبار را باور می‌کنند) و برای بیان مطالب و عقاید خود، باید مهارت و سرعت تغییر لحن نیز داشته باشد.

۳۸. نتایج امتحانات و بررسی تکالیف را زود اعلام کند و کلاس را مدتی چشم‌انتظار نتایج کار خود نگذارد.

۳۹. شکی نیست دانش‌آموزانی که در تهیه و تنظیم قوانین سهیم هستند، بیشتر در اجرای آن مشارکت می‌کنند و آن را متعلق به خود می‌دانند. واگذاری این اختیار به خود دانش‌آموزان در بسیاری موارد همان نتیجه‌ای را دارد که خود معلمان به‌دست می‌دهند. وقتی که دانش‌آموزان به تشکیل قوانین کلاس کمک می‌کنند، تجارب شخصی و متعلق به خود را اعمال می‌کنند. اکنون دیگر قوانین قسمتی از وجود آن‌هاست. در چنین شرایطی چه کسی می‌خواهد قانون را بشکند یا لغو کند؟ (تابر: ۲۱۴)

۴۰. «به رفتارهای طبیعی جنبه قانونی بدهید. در حکایتی چنین آمده است که مسئولان یک دانشکده کوچک تازه تأسیس، پس از اینکه دانشجویان با رفت‌وآمدهای خود بین قسمت‌های مختلف راه‌هایی به‌وجود آوردند، پیاده‌رو را با بتون فرش کردند. در واقع، رفتار طبیعی دانشجویان جنبه قانونی به وضع پیاده‌روهای جدید داد.» (تابر، تلخیص: ۸۰)

۴۱. به دانش‌آموزان کمک کنیم تا نیازهای مشروع خود را برآورده کنند تا خود نیز برای انضباط و کنترل کلاس با مشکل کمتری مواجه شویم.

۴۲. برای توسعه محیط درس باید ببینیم چه امکاناتی در منطقه ما موجود است که می‌توانیم آن‌ها را در دسترس دانش‌آموزانمان قرار دهیم.

۴۳. ما به تعداد معلم‌های قرآن روش تدریس داریم و این روش تابع آن است که تمایل شخصی معلم آگاهانه یا ناآگاهانه به چه سمتی باشد. بنابراین، بهتر است همواره در حال انتقال تجربیات خود به دیگران و برعکس باشیم تا بتوانیم از انواع روش‌ها بهره بگیریم و دانش‌آموزان گرفتار محدودیت ذهنی معلمین خود نباشند.

**زیبانویسی روی تابلو اعجاز می‌کند؛ خصوصاً اینکه دانش‌آموزان تلفیق هنر و زیبایی را در موضوعات معنوی و دینی به‌عینه مشاهده کنند**